

هدف روابط
بین الملل در معنای
کلان خود در دولت
سیزدهم معطوف
به گسترش عدالت
است که باید در
مقطع کنونی
شکل گیری نظم
نویین جهانی
مورد توجه قرار گیرد.
برقراری نظم عادلانه
جهانی به دوری از
اعمال یکجانبه نظم
غرب محور و ایجاد
نوعی گفت و گوی
طرفینی و بیان
روایت های مختلف
از نظمی عادلانه
و مطلوب نیازمند
است.

و داعش شکل می گیرد و تسلیح می شود و بر اساس همین منطق است که بزرگ مردان مبارزه با تروریسم، همچون شهید قاسم سلیمانی که نقش اصلی را در شکست داعش در غرب آسیا داشته، ترور می شوند. اینجاست که در جنگ یمن، بیش از سه هزار کودک قربانی می شوند و غرب همچنان به تسلیح متجاوزان و کشتار زنان و کودکان در این کشور ادامه می دهد؛ لذا مفاهیمی مانند حقوق بشر، آزادی، عدالت و مواردی از این قبیل باید بازتعریف شوند. نمی توان عدالت جهانی و برقراری نظم عادلانه را صرفاً از دریچه تجربه شکست خورده غربی محقق کرد.

رئیس جمهور برخورد دوگانه غرب با برنامه هسته ای ایران را یکی دیگر از مصادیق نظم ناعادلانه جهانی می داند. چنانچه بارها مذاکرات متعدد منطقه ای و فرامنطقه ای در موضوعات مختلف از جمله در پرونده هسته ای ایران در دستور کار بوده و به رغم عهد شکنی طرف غربی و اعمال تحریم های ظالمانه غیرقانونی، جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به توافق عادلانه و بر اساس قوانین بین المللی به مذاکره ادامه داده است. از سوی دیگر، مهم ترین مصادیق بی عدالتی جهانی از دید دکتر رئیسی مسئله فلسطین است. رژیم صهیونیستی با بیش از هفتاد سال آپارتاید، تجاوزگری و کشتار زنان و کودکان منطقه، بزرگ ترین زندان روی زمین را در غزه برپا کرده است و با استمرار این ظلم ها به همه نشان داده ظلم و اشغالگری این رژیم پایان ندارد.

دولت سیزدهم معتقد است اگر دنیا به دنبال نظمی عادلانه است، باید روایت های دیگران از این نظم ناعادلانه و دیدگاه آنان برای جهانی عاری از بی عدالتی را بشنود. جمهوری اسلامی ایران به رغم تمام فشارها بارها اعلام کرده که خواهان استقرار صلح و امنیت عادلانه جهانی است.

به عقیده رئیس جمهور «انقلاب اسلامی ایران، تبلور حرکت ملت ایران به سمت عدالت بود»؛ لذا جمهوری اسلامی به دنبال تسری ایده عدالت در نظام بین الملل است، عدالتی که در عقلانیت منبعث از وحی ریشه دارد. از نگاه دکتر رئیسی «خداخواهی، آگاهی بخشی، نوع دوستی و چندجانبه گرایی» از عناصر کلیدی نظم عادلانه بین المللی است. سرنوشت مشترک بشری در قالب جهانی شدن عدالت محقق می شود و وحدت در عین کثرت نتیجه توسل به عدالت در نظام بین الملل است. بر این مبنا، مهم ترین مصادیق نظم ناعادلانه بین المللی کنونی که باید تغییر کند، عبارت اند از: «یک جانبه گرایی»، «سلطه طلبی»، «غلبه سرمایه بر اخلاق و عدالت و فضیلت»، «فقر و تبعیض و نابرابری»، «به کارگیری خشونت، تحریم و نقض حقوق ملت ها»، «استفاده از سازمان ها و نهادهای بین المللی به عنوان ابزار فشار بر کشورهای مستقل»، «تهدید فزاینده تروریسم و افراط گرایی، انحطاط